

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دریادار واسیلی پاپوویچ (Vasily Popovich)  
برگردان: ا.م. شیری  
۰۶ مارچ ۲۰۲۴

## ستالین، نابغه بشریت



بازنشر به مناسبت هفتاد و یکمین سال درگذشت یوسف ویساریونویچ ستالین، یکی از نوابغ و نوادر تاریخ بشر، رهبر و سازمانگر سازندگی‌های نخستین جامعه سوسیالیستی تاریخ.

نام مبارک و یاد عزیزش همیشه گرامی باد !.م. شیری

\*\*\*\*\*

- رفتار ستالین که مورد نقد یا انکار هیچ کس واقع نشد. او چهار فرزند، یک دختر- سوتلانا و سه پسر داشت. یاکوف، آرتیوم و واسیلی. آرتیوم پسر خوانده‌اش، همسن واسیلی بود. او علاقه‌مند بود هر سه نظامی باشند. یاکوف

و آرتیوم در رسته توپخانه تحصیل کردند، واسیلی در نیروی هوایی به درجه سرتیپی رسید. با شروع جنگ ستالین خواستار اعزام فرزندانش به جبهه شد. هر سه فرزند قهرمانانه روی پدر را سفید کردند. یاکوف در اسارت نازی‌ها کشته شد. واسیلی را تروتسکیست‌ها به رهبری نیکیتا خروشچوف زندانی کردند و کشتند. او هنگام پرواز با جنگنده بمبافن چتر نجات همراه بر نمی‌داشت. چون معتقد بود مرگ در اثر ساقط شدن جنگنده گواراتر از اسارت است... سوتلانا از دست ضدانقلاب و تروتسکیست‌ها در به در و آواره جهان شد و در نهایت در تنهائی در خانه سالمندان در امریکا از دنیا رفت. او پس از اعلام نوسازی بنیان‌کن در سال ۱۹۸۵، به خیال خام به اتحاد شوروی برگشت، اما، از دست «خر داغ‌ن‌ها» دوباره به خانه سالمندان برگشت. مارشال گنورگی ژوکوف پاسخ ستالین به پیشنهاد نازی‌ها برای مبادله یاکوف با جنرال المانی را چنین نقل می‌کند: ما سرباز را با جنرال مبادله نمی‌کنیم. و در مقابل اصرار اطرافیان برای مبادله یاکوف به عنوان پسر او، می‌گوید: پس دیگر اسیران فرزندان کیانند... ا.م. شیری



واسیلی



سوتلانا



یاکوف



آرتیوم

- آندری گرومیکو، پدر دیپلوماسی اتحاد شوروی که از سال ۱۹۳۹ در دستگاه سیاسی شوروی کار می‌کرد و شخصاً در کار تدارک کنفرانس تهران و یالتا شرکت داشت و بارها با ستالین دیدار کرده بود، در کتاب خاطرات خود در باره ستالین می‌نویسد: او انسانی اندیشمند و کارهایش همیشه سنجیده بود. گرومیکو با رد اتهامات دشمنان مبنی بر این که ستالین همیشه خشمگین و ناراضی بود، می‌گوید او هرگز صدایش را در جمع حاضران بلند نمی‌کرد و از دایره ادب خارج نمی‌شد...

- مارشال دمیتری یازوف، آخرین وزیر دفاع اتحاد شوروی در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: دانش‌آموز بودم. سنم را یک سال بزرگ کردم. داوطلبانه به جبهه رفتم. بیشتر همکلاسی‌هایم نیز به جبهه رفتند. رزمندگان در جبهه‌ها همیشه با فریاد «به نام ستالین، به نام میهن» حمله می‌کردند. جالب است در آن شرایط بین مرگ و زندگی هیچ کس به ستالین فحاشی نمی‌کرد. همه واقعاً به ستالین اعتماد داشتند و جنرال کنستانتین راکاسوفسکی ستالین را مقدس می‌نامید. یازوف در این مصاحبه در پاسخ به این پرسش که آیا ستالین را جنایتکار حساب نمی‌کنید، می‌گوید: ستالین برای من مقدس، اما، گوربچوف جنایتکار است...

**واسیلی پاپوویچ:** هر سال در ۲۱ دسامبر (۳۰ آذر - قوس) - در روز تولد یوسف ویسایونویچ ستالین (جوگاشویلی)، تمام بشریت مترقی سالگرد تولد این نزدیکترین متحد ولادیمیر ایلیچ لنین، شخصیت برجسته حزبی، دولتی و نظامی نیمه اول قرن بیستم را جشن می‌گیرد. هر دولتمردی را نمی‌توان یک شخصیت تاریخی نامید. اما، یوسف ویسایونویچ یکی از شخصیت‌های بزرگ تاریخی بود. او در جهان نه تنها در میان طرفداران سوسیالیسم، بلکه، در میان مخالفان نیز مشهور است. علاقه‌مندی بشریت به او همیشگی و ابدی است. مردم ما تحت رهبری ستالین سوسیالیسم را ساخت؛ صنعتی‌سازی و تعاونی‌کردن را به سرانجام رساند؛ نوع جدید ارتش و نیروی بحری را تشکیل داد؛ المان نازی را شکست داد؛ سپر راکتی هسته‌ای ایجاد کرد؛ پایه و اساس تسخیر فضا و تشکیل دولت کارگران و دهقانان را آماده کرد. تاریخ مقرر کرده است که بیش از ۷۰ سال پس از درگذشت ستالین، تصویر او نقطه شروع سمت و سو، شیوه و روش حل بسیاری از مشکلات در سراسر جهان باشد. دشمنانی که به دنبال بی‌اعتبار کردن نام نیک رهبر بودند، دچار اشتباه محاسباتی شدند. زیرا، ستالین یک شخصیت تاریخی خارق‌العاده بود. همانطور که شارل دوگل نوشت: «ستالین به گذشته نپیوست، در آینده متجلی شد...». دوگل در خاطرات خود می‌نویسد: «ستالین اقتدار عظیمی داشت و البته، نه فقط در روسیه. او می‌دانست که چگونه دشمنان خود را «رام» کند؛ هنگام شکست وحشت نکند و از پیروزی‌ها سرگیجه نگیرد. چه که پیروزی‌های او بیشتر از شکست‌هایش بود. روسیه ستالینی همان روسیه سابق نیست که همراه با سلطنت مرده باشد. اما دولت ستالینی بدون جانشینان شایسته ستالین محکوم به فناست». این سخنان رئیس جمهور فرانسه یک پیشگویی پیامبرگونه بود... پس از فوت یوسف ستالین، حاکمان نالایق، روسیه را ویران کردند و مردم را به درگیری‌ها و جنگ‌های خونین کشانیدند.

اقتدار و شدت درک شخصیت ستالین در بین جمعیت اتحاد شوروی و جهان نه تنها رو به کاهش نیست، بلکه به عکس، رو به افزایش است. از این روی، تلاش دشمنان برای تحقیر رهبر بی‌نتیجه ماند. تصویر او ویژگی‌های یک افسانه را به عنوان رهبر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، یک دولتمرد و رهبر حزب در انظار عموم به نمایش می‌گذارد. بنابراین، تلاش‌های مانکورت‌ها (برندگان بی‌فکر) برای تحقیر او، نتیجه مورد نظر طرفداران یلتسین را به همراه نخواهد داشت. چنین شخصیت‌های برجسته، در میان توده‌ها، هر چند قرن یک بار متولد می‌شوند و برای همیشه می‌درخشند. امروزه بسیاری از فرصت‌طلبان و این‌الوقت‌ها به ستالین آن گونه نگاه می‌کنند که صاحبان قدرت علاقه‌مندند. بسیاری از روزنامه‌نگاران رسانه‌ای خدمتگزار رژیم، تمام تلاش خود را برای راضی کردن مخالفان ستالین به کار می‌گیرند. و جهت اصلی تبلیغات آن‌ها این است که ستالین یک جلا، یک غاصب، یک قاتل خونین، یک استعمارگر بی رحم بود. اکنون چنین روزگاری است و اخلاقیات در روسیه یلتسین‌پوتین نیز چنین!

یوسف ویسایونویچ در ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ (۳۰ آذر - قوس ۱۲۵۸) در [شهر] گوری گرجستان دیده به جهان گشود. در سال ۱۸۸۸ وارد مدرسه الهیات گوری شد و پس از فارغ‌التحصیلی از آنجا، به حوزه علمیه ارتدکس تفلیس وارد شد. اما با مشاهده ظلم، بی‌حقوقی، فقر مردم و موقعیتی که روحانیت در آن به دست آورده بود، به راه مبارزه انقلابی برای

رهائی مردم از ستم تزاری گام نهاد. همانگونه که خود ستالین گفت: «من در سن ۱۵ سالگی، با گروه‌های زیرزمینی مارکسیست‌های روسیه که در ماوراء قفقاز فعالیت می‌کردند، تماس گرفتم، به جنبش انقلابی پیوستم». ستالین در سال ۱۸۹۸ به عضویت حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه در آمد. همان وقت خود را زیر نظر خون‌خواران سلطنتی و روحانیون حوزه‌های علمیه یافت. در ۲۹ مه ۱۸۹۹، ستالین به دلیل ترویج افکار و ایده‌های مارکسیستی از حوزه علمیة تفلیس اخراج گردید. به خاطر شهامت و اراده ستالین، حتی نزدیکانش در آن زمان او را «عقاب کوهستان» که هیچ ترسی در میدان رزم نمی‌شناسد، نامیدند. او تمام عمرش اینگونه بود. حتی در آن زمان، در صورت اختلاف نظر با اعضای حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه، ستالین از بلشویک‌ها به رهبری لنین طرفداری می‌کرد.

ستالین از مارچ ۱۹۰۱، به فعالیت مخفی روی آورد که عملاً تا فیبروری ۱۹۱۷ ادامه یافت. در نومبر ۱۹۰۱، او به [شهر] باتومی نقل مکان کرد، اما خونخواران تزار در ۵ اپریل ۱۹۰۲ او را تعقیب و دستگیر کردند. ستالین به دلیل فعالیت‌های انقلابی در پائیز ۱۹۰۳ به روستای نوایا اودا، ناحیه بالاکانسکی، استان ایرکوتسک واقع در سیبری شرقی تبعید شد. اما، چندی بعد، کمی بیش از یک ماه، از تبعید به قفقاز فرار کرد و به مبارزات انقلابی فعال خود علیه رژیم تزاری ادامه داد. همانطور که ولادیمیر لنین و یوسف ستالین گفتند، مسلح کردن جوخه‌های مردمی برای پیروزی اهمیت زیادی دارد.

ستالین طی سخنرانی در یک گردهائی در ۱۸ اکتوبر ۱۹۰۵ گفت که پیروزی نیاز به سلاح و سلاح‌های بیشتری دارد. پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵، ستالین به خارج از کشور مهاجرت نکرد، برای تداوم مبارزه در روسیه ماند. ۲۵ مارچ ۱۹۰۸ سگ‌های خونخوار تزار ستالین را دوباره در باکو دستگیر کردند. او را مدت‌ها در زندان نگه داشتند و سپس به تبعید فرستادند. زندگی سرتاسر مبارزات انقلابی (تا سال ۱۹۱۷) توأم با تبعید و زندان ستالین، نه تنها نتوانست او را بشکند، حتی به عکس، تقویتش کرد. به گونه‌ای که ستالین از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۳، هفت بار دستگیر شد، شش بار تبعید گردید، پنج بار از تبعید گریخت و دوباره به مبارزه انقلابی پیوست. هم رژیم تزاری و هم رژیم کنونی هر کسی را که حرف می‌زنند، برای احقاق حقیقت می‌جنگند و از درد و رنج محرومان می‌نویسند، آزار می‌دهند. لنین نوشت: «تا زمانی که دولت وجود دارد، آزادی وجود نخواهد داشت. وقتی آزادی وجود داشته باشد، دولتی وجود نخواهد داشت».

ستالین در اوایل سپتمبر ۱۹۱۱ مخفیانه از ولوگدا به پترزبورگ رفت. او مقاله «مارکسیسم و مسأله ملی» را در این دوره نوشت و در آن برنامه بلشویکی برای حل مسأله ملی را تشریح نمود. ماهیت آن بعدها در کنفرانس هفتم (اپریل) اعلام شد و حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش، از جمله، تا سرحد جدائی و تشکیل دولت‌های مستقل به رسمیت شناخته شد. ۲۳ فیبروری سال ۱۹۱۳، ستالین در سن پترزبورگ دستگیر و برای مدت چهار سال به منطقه توروخانسک تبعید گردید.

در دسامبر ۱۹۱۶ او برای خدمت سربازی به ارتش فراخوانده شد و ابتداء به کراسنایارسک و سپس به آچینسک اعزام گردید. لازم به یادآوری است که انقلاب فیبروری ۱۹۱۷ در آچینسک روی داد. ستالین به پتروگراد بازگشت و بلافاصله به مبارزات انقلابی پیوست. در ۲۰ اگست، اولین کنگره سراسری شوراهای ستالین را به عنوان عضو کمیته اجرائی مرکزی انتخاب کرد. ستالین پس از پیروزی انقلاب در شب ۲۴ و ۲۵ اکتوبر ۱۹۱۷، به شورای کمیته‌های خلق که در دومین کنگره سراسری شوراهای انتخاب شده بود، پیوست. ستالین از نخستین روزهای پیروزی حاکمیت شوراهای، فعالانه برای تقویت دستاوردهای سوسیالیستی تلاش کرد. حتی یک جمهوری شوروی وجود نداشت که ستالین در سازماندهی آن شرکت نکرده باشد.



شورای دفاع کارگران و دهقانان به ریاست لنین در ۳۰ نوامبر ۱۹۱۸ تشکیل گردید و ستالین به عنوان نماینده کمیته اجرائی مرکزی شوراهای سراسری روسیه، عملاً معاونت او را به عهده گرفت. او در جبهه‌های مختلف با دشمنان انقلاب جنگید و در دفاع از دستاوردهای انقلاب به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت. در ۲۷ نوامبر ۱۹۱۹، با ابتکار لنین به ستالین نشان پرچم سرخ اعطا شد. پلنوم کمیته مرکزی در تاریخ ۳ اپریل ۱۹ ستالین را به عنوان دبیر کل حزب انتخاب کرد. او در کار گزینش کادرها فعالانه شرکت داشت. ستالین و دبیرخانه تحت رهبری اش تنها در اولین سال تصدی خود در این سمت، حدود ۴۷۵۰ پرسنل در نهادهای مسؤول منصوب کردند.

در نخستین کنگره اتحادیه سراسری شوراها در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲، تصمیم مبنی بر وحدت همه جمهوری‌ها در یک اتحادیه - اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی اتخاذ گردید. ستالین در سخنرانی خود در کنگره گفت که «وجود جداگانه جمهوری‌های شوروی رو به پایان است... جمهوری‌ها در حال وحدت در یک کشور متحد هستند». این، یک تصمیم عاقلانه و درستی بود. به برکت تشکیل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی امکان حفظ قلمرو وسیع امپراتوری تزاری سابق فراهم شد. پیروان یلتسین آن را نابود کردند و اکنون سعی می‌کنند دوباره با خون به هم بچسباندند. این چیزی است که ویران‌گران کنونی نمی‌خواهند بفهمند که تمام فعالیت‌های بی‌خاصیت خود را برای ظلم به مردم خود و دیگر ملت‌ها صرف می‌کنند. اما همانطور که می‌گویند، با زور نمی‌توان مهربان شد. می‌توان اسب را به سوی آبخور هدایت کرد، اما غیرممکن است که آن را خلاف میل خود به نوشیدن آب مجبور کرد.

ولادیمیر ایلیچ لنین در ۲۱ جنوری ۱۹۲۴ در [شهر] گورکی درگذشت. **ستالین در مصاحبه با امیل لودویگ گفت:** «من فقط شاگرد لنینم و هدفم این است که شاگرد شایسته او باشم». تلاش‌های اصلی ستالین به مسائل مربوط به ساخت دولتی اقتصاد کشور که کشاورزی و عقب‌مانده بود، معطوف بود. او در دسامبر ۱۹۲۵ از تریبون چهاردهمین کنگره حزب، خواستار تبدیل کشور از کشاورزی به صنعتی شد. در اوایل سال ۱۹۲۶ اثر ستالین به نام «دربارۀ مسأله لنینسیم» انتشار یافت. او تمام تلاش خود را برای غلبه بر روانشناسی مالکیت خصوصی دهقانان از طریق تعاونی کردن و صنعتی کردن کشاورزی به کار گرفت. نیروی کار لازم برای کارخانجات و مؤسسات تولیدی در حال ساخت را تأمین نمود. با فرمان کمیته اجرائی مرکزی شوراهای سراسری روسیه در فیبروری ۱۹۳۰، دومین نشان «پرچم سرخ» به ستالین اعطا گردید. او سعی کرد کشور را در مسیر لنینی رهبری کند. ستالین گفت: «ما ۱۰۰-۵۰ سال از کشورهای پیشرفته عقب مانده‌ایم. یا باید تا ده سال دیگر این فاصله را طی کنیم یا ما را له خواهند کرد». مردم پیام رهبر را بدرستی درک کردند و تمام تلاش خود را برای تحقق برنامه‌ها به کار بستند.

به گفته سرگنی کیروف، در مدت ۱۰ سال پس از درگذشت لنین، اگر کسی دیگری غیر از رفیق ستالین بود، در اتحاد شوروی، «هیچ چرخشی در کار ما، حتی یک تعهد، شعار، جهت‌گیری عمده در سیاست ما محقق نمی‌شد». البته، ستالین تمام قدرت و مسؤولیت سرنوشت کشور را نیز داشت که او آن را یک وظیفه شخصی تلقی می‌کرد. اشتباهات زیادی در حوزه نظامی و اقتصادی روی داد. اما، کلیت این مسیر به طوری که سال‌های هجوم فاشیستی و سازندگی سوسیالیستی نشان داد، درست بود. این کشور بر فاشیسم پیروز شد و اعتبار جهانی کسب کرد. اسفا که بعد از حوادث سال ۱۹۹۱ به عکس!

ستالین فردی شایسته، بسیار منظم و به وقت‌شناسی شهره بود. سخن در هوا رها نمی‌کرد. موفقیت او در ایجاد یک جامعه سوسیالیستی، موجب نگرانی دشمنان اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شده بود. وینستون چرچیل گفت: «ستالین مردی با برخورداری از شوخ طبعی نجات‌بخش خود، اهمیت و اعتبار خاصی در نزد همه ملت‌ها و به ویژه، در نزد شخصیت‌ها و رهبران بزرگ دارد...». این ویژگی او موجب ترس حاکمان کشورهای سرمایه‌داری و مافیای

جهانی می‌شد که زندگی‌شان به سرکوب مردم بستگی داشت. امروز نیز به همین گونه است. غرب شایعات مختلفی در مورد کشور شوروی و رهبر آن، به ویژه در مورد مرگ او پخش می‌کرد. هنگامی که یک روزنامه‌نگار امریکایی در مسکو در این باره توضیح خواست، ستالین بلافاصله پاسخ داد: ««اعلیحضرت! تا آنجایی که از گزارش‌های مطبوعات خارجی اطلاع دارم، مدت‌هاست که این دنیای خاکی را ترک کرده و به دنیای دیگر رفته‌ام. از آنجایی که نمی‌توان گزارش‌های مطبوعات خارجی را نادیده گرفت، اگر نمی‌خواهید از لیست افراد متمدن خارج شوید، از شما می‌خواهم که این گزارش‌ها را باور کنید و آرامش مرا در دنیای ساکت دیگر به هم نزنید. ۲۶ اکتوبر سال ۱۹۳۶، با احترام، یوسف ستالین»». پخش چنین شایعاتی از جمله، در زمان جنگ در مارچ ۱۹۴۴ شدت گرفت. این همان آرزویی بود که بسیاری از دشمنان اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سر می‌پروراندند. زیرا، تمام قدرت اقتصادی و نظامی کشور زیر نظر ستالین بود. تمام مردم شوروی و حامیان سوسیالیسم در سراسر جهان به سخنان ستالین باور داشتند. متأسفانه، اطرافیان رهبر خیانت کردند و پس از مرگ وی، نام نیک این رهبر برجسته اتحاد جماهیر شوروی را لکه‌دار نمودند.

شایستگی رهبری ستالین در هدایت کشور و نبردهای نظامی در سال‌های جنگ با فاشیسم، به پیروزی بزرگ کشور ما انجامید. در سال‌های پس از جنگ، با توجه به تجاوزات متحدان سابق در مبارزه با آلمان فاشیست و جاپان ملیتاریست، سیاست داخلی و خارجی کشور را بنا نهاد. به برکت وجود او، کشور به سلاح هسته‌ای و سپر راکتی هسته‌ای دست یافت؛ ارتش و نیروی بحری قدرتمند تشکیل گردید و فضای کیهانی را تسخیر کرد. در کل تاریخ کشورها دولتمردان نادری با این عظمت وجود داشته است. هر چه زمان ما را بیشتر از موفقیت‌های به دست آمده تحت رهبری ستالین دور می‌کند، آن‌ها بیشتر قابل مشاهده و واضح‌تر می‌شوند. اکنون آشکارتر دیده می‌شود که ستالین به سطح مورد نیاز خواسته‌های دوران سخت نیمه اول قرن بیستم دست یافت. قلب رهبر در ۵ مارچ سال ۱۹۵۳ (۱۴ اسفند- حوت ۱۳۳۱) از تپش ایستاد؛ کشور به هم ریخت و اکنون تب شدید دارد؛ مردم به دامن ذلت و مرگ افتاده است.

فرانکلین روزولت، رئیس جمهور وقت امریکا در ۲۸ جولای ۱۹۴۳ گفت: «به رهبری مارشال یوسف ستالین، مردم روسیه چنان نمونه‌ای از عشق به میهن، صلابت و از خودگذشتگی نشان دادند که جهان هرگز تجربه نکرده است. پس از جنگ، کشور ما همیشه از حفظ روابط حسن همجواری و دوستی صمیمانه با روسیه که مردم آن با نجات خود، به نجات تمام جهان از خطر نازی‌ها کمک می‌کنند، خوشحال خواهد شد». ستالین از تمام ویژگی‌های شخصی لازم - شجاعت، قاطعیت، خویشتنداری استثنائی، شخصیت پولادین و هوش فوق‌العاده برای رهبری ملت، برای موفقیت کشور بزرگ در شرایط سختی که بر روسیه و مردم ما تحمیل شده بود، برخوردار بود. او رسالت خود را با عزت به انجام رساند، اکنون وظیفه نوادگان است که شایستگی خود را برای دفاع از اعمال و دستاوردهای نابغه بشریت نشان دهند.

برگرفته از: روسو - وبسایت دانشمندان با گرایش سوسیالیستی روسیه

چند مطلب مرتبط از میان مطالعات شخصی:

۱- ستالین به آینده پیوست

۲- به یاد ستالین

۳- کنفرانس با ستالین

۴- نامه به ستالین

۵- در باره ستالین و ستالین‌زداییان

۶- به مناسبت زادروز ستالین

۷- سالروز تجلی ستالین در آینده

۸- عمری چنین پر بارم آرزوست

۲۹ آذر-قوس ۱۴۰۲ ۱۵

اسفند- حوت ۱۴۰۲

\* - عضو شورای عالی دانشمندان با گرایش سوسیالیستی روسیه، پروفیسور، نویسنده، روزنامه‌نگار